

”

اوایل ارشد بودم که به این نتیجه قطعی رسیدم که من در فضای ایران، آکادمیک نمی خواهم کار کنم. چون ارائه کار نو بسیار سخت و شاید ناممکن است. خیلی از کارها ارزش علمی چندانی ندارد و در مجله آن چنان قوی هم چاپ نمی شود. باید یک پایان نامه شود یک گوشه خاک بخورد و به درد کسی نمی خورد

”

اگر می خواهی بروی دنبال کاری که علم را به ثروت تبدیل می کند از آن ارزش های والای انسانی که دانش باشد، فاصله می گیری البته به زعم محیط دانشگاهی. در واقع نگاه مثبتی که الان نسبت به فناوری وجود دارد که می آید یک مسئله از کشور حل کند، وجود نداشت

رشته ای پیدا کردم که هم ماهیت تحقیقاتی دارد و هم می آید به سمت حوزه پزشکی. خودم هم رفتم کمی تحقیق کردم و به نظرم جالب آمد. واقعیت این است که خودم هم دوست داشتم محیط کار تحقیقاتی را تجربه کنم و گریه از کار صنعت باز کنم. امتیاز مهم این رشته، این بود که تا دو سال این اجازه را می دهد که انصراف دهی و برگردی رشته قبلی ات. وزارت علوم این امکان را ایجاد کرده است. دکترای پیوسته بیوتکنولوژی در واقع یک رشته بین رشته ای است که از ریاضیات و تجربی دانشجو می گیرد. PHD direct است. یعنی ارشد و دکترایش در دل خودش است و سیستم جذب دانشجوییش هم نیمه متمرکز است. یعنی شما هم این رشته را انتخاب می کنید و هم رشته دلخواه دیگر. بعد یک مصاحبه بیوتکنولوژی برایتان می گذارند، اگر پذیرفته شدید، رشته قبلی تان را انصراف می دهید. من هم انتخاب اولم را بیوتکنولوژی زدم و بعد برق شریف، یک ترم در شریف، برق خواندم تا مصاحبه بیوتکنولوژی انجام شد و شریف را انصراف دادم.

علم برای...

فضای گروه بیوتک یک فضای کاملاً علمی بود. یعنی موضوع ارتباط با صنعت تازه دارد در دانشگاه تهران کمی جامی افتد و در نسل قدیمی تر دانشگاه هم هنوز گاردی نسبت به آن وجود دارد. این دید عمومی دانشگاه تهران بر این است که علم برای علم. تازه داروی سینوکس که برای بیماران ام. اس است از دل سیناژن بیرون آمده بود و عملاً سیناژن به نوعی قطب بیوتکنولوژی کار بردی محسوب می شد که همان هم هنوز به محیط دانشگاهی راه پیدا نکرده بود. یعنی اصلاً همان پاستوری هم که این آدم ها از آن بیرون آمده بودند تا کاری کار بردی کنند هنوز خیلی نپذیرفته بود که این اتفاقی که دارد می افتد، یک اتفاق خوبی است. داریم در مورد زمانی صحبت می کنیم که وقتی شما

می آیی کار صنعتی می کنی، به دید بده بستان، بنگاه داری معاملات، بهش نگاه می کردند. یعنی اگر می خواهی بروی دنبال کاری که علم را به ثروت تبدیل می کند از آن ارزش های والای انسانی که دانش باشد، فاصله می گیری، البته به زعم محیط دانشگاهی. در واقع نگاه مثبتی که الان نسبت به فناوری وجود دارد که می آید یک مسئله از کشور حل کند، وجود نداشت.

وقتی تئوری ها، کاربردی شدند

دو سال اول دانشگاه که درس های عمومی را گذراندم، به یکی از هیأت علمی های گروه گفتیم چه کار کنیم؟ چه بخوانیم؟ پیشنهاد داد که بروید کار آموزی، من در دوران دانشجویی به کار آموزی می رفتم و خیلی کمک کرده است. ماهم استاد هر درسی که می آمد سر کلاس مان، بهش می گفتیم که مامی- خواهیم برویم آزمایشگاهت کار آموزی. من سال دومم که تمام شد رفتم آزمایشگاه دکتر خواجه در تربیت مدرس مشغول کار آموزی شدم. ایشان بیوشیمیست هستند و آنژیولوژی کار می کنند. اتفاقی که آنجا برایم افتاد این بود که فهمیدم تمام آن چیزهایی که تا ترم قبلش می خواندم و می گفتم اینها به چه دردی خورد، جای خودش را پیدا کرد. تازه همه چیز شروع کرد به جا افتادن؛ واقعی و کار بردی شد. من رفتم به نیت اینکه ۳ ماهه بیایم بیرون، ولی ادامه دار شد. عملیات زمانی که لیسانسم تمام شد، یعنی تقریباً دو سال در آزمایشگاه دکتر خواجه روی پروژه های مختلف کار کردیم. اوایل ارشد بودم که

